

# مشکل انشا



انتخاب کتاب «خون‌نامه خاک» را بعنوان کتاب سال، به جامعه شاعری ایران و به دوست و برادر صاحب قریحه‌مان «مردانی» تبریک می‌گوییم.

\* \* \*

در پائیز امسال استاد فرزانه «مدرس رضوی» رخت از خاکدان برکشید: در ۹۰ سالگی و آنگاه که بیش از ۷۰ سال از عمر گرانمایه‌اش در تحقیق و تألیف و تعلیم گذشته بود. شرح احوال و فضائل این عالم ربانی، البته در این مختصر نمی‌گنجد: یک زبان خواهیم به پهنای فلک... غرض، ذکری است از عالمی که تصحیح:

- ۱ - المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی
  - ۲ - دیوان سنایی غزنوی
  - ۳ - حدیقه الحقیقه سنایی
  - ۴ - اساس الاقتباس خواجه نصیرالدین طوسی
  - ۵ - تنسوخ‌نامه خواجه نصیرالدین طوسی
  - ۶ - دیوان انوری
  - ۷ - تاریخ مشهد رضوی
  - ۸ - و تاریخ رجال خراسان
- تنها بخش کوچکی از آثار و تألیفات اوست.
- فقدان استاد مدرس رضوی - رضوان‌الله علیه - ضایعه‌ای است بر بیکر جامعه فرهنگی ما. خدایش بیامرزد.

\* \* \*

از توجه و تشویق استادان بزرگوار و محققان و دبیران ارجمند ادبیات فارسی که ما را به ادامه کار، دلگرم‌تر ساخته‌اند، تشکر می‌کنیم و نیز یاری و همکاری‌شان را به انتظار نشسته‌ایم. مخصوصاً از استادان و دبیران زبان و ادبیات فارسی دعوت می‌کنیم از زکوة علم‌شان، رشد آموزش ادب فارسی را بی‌نصیب نگذارند و دبیران جوان ادبیات فارسی را از این طریق ارشاد کنند.

\* \* \*

«نشر و توزیع» از حیطة اختیار و اقتدار هیأت تحریریه بیرون است؛ شرمسار کسانی هستیم که در این باب پرسش و اعتراضی دارند... اما نور آمیدی برای حل این مشکل تابیده است. انشاء‌الله به نتیجه‌ای مطلوب برسد.

والسلام

«سردبیر»

از جهت آموزش دانش‌آموز و پرورش قوای ذهنی وی، همه درسه‌ها را در یک کسفه ترازو بگذارید و تنها «انشا» را در کسفه دیگر. به اعتقاد من، هنوز کسفه «انشا» سنگین‌تر است. شاید به سبب اینکه من معلم ادبیات هستم، این داوری درست نباشد و دل‌بستگی و وابستگی من به درسی که تدریس می‌کنم مرا به اظهار این عقیده واداشته باشد.

از این پیوند درسی که بگذریم، حجت من این است که می‌بینم، درسی که حقیقتاً بیش از درسه‌های دیگر به کوشش ذهنی و اندیشیدن نیاز دارد و به سازندگی فکری و آفرینش دماغی می‌انجامد درس انشاست.

لازم به گفتن نیست که هر درسی، در حد خود، آگاهی می‌بخشد، ولی این دریافته‌ها در مقایسه، به سان محصولات وارداتی، به حیطة تجربه و آگاهی ذهنی دانش‌آموز وارد می‌شود، و تنها در انشاست که از آن مواد خام، محصولی پخته و ساخته تجلی و ظهور می‌کند.

بدین سان، اگر معیار سنجش آگاهی و پختگی اندیشه نوجوان و جوان و حتی سالمندان را نوشته‌شان و آفریده‌های ذهنی و دماغیشان بدانیم، به گمانم خطا نکرده‌ایم.

گفتنی این است که درس «انشا» با چنین سرشاری، خصوصیات ویژه‌ای دارد؛ سهل و مستمع است؛ دشوار در یاد دادن، دشوار در



الف - دانش آموز، برای باز نویسی، ناگزیر است که خوب گوش دهد. در اینجا بجاست گفته شود که هر چند سخنرانی فنی ارزنده و هنرمندانه است، ولیکن، به نظر من، هنر مستمع بودن دقیق تر و دشوارتر از آن است و به پرورش بیشتری نیاز دارد. دانش آموز باید چنان تربیت شود که بتواند، هنگامی که گوینده ای سخن می گوید، گوش و هوشش با وی باشد نه چنان که خود در میان جمع و دلش جای دیگر باشد.

ب - برآیند چنین تربیت و چنان گوش دادن این خواهد بود که دقت دانش آموز پرورش یابد.

ج - برای اینکه نوشته اش نزدیک به اصل باشد، مطلب و عبارات را به خاطر خواهد سپرد، بدین سان حافظه هم تقویت خواهد شد. تا اینجا جنبه تربیتی و رویه پرورشی کار را بر شمرده ایم، ولیکن از جهت آموزشی، اگر قبول کنیم که انشا عبارت است از درست اندیشیدن و اندیشه درست را در لباس و بیان زیبا و رسا نشان دادن، پس با خواندن یک نوشته خوب که هم درون و محتوای آن مطلوب باشد و هم قالب آن درست و زیبا، به دانش آموز هم اندیشه درست، و بالمآل اندیشیدن درست، را یاد داده ایم و هم نوشتن درست و زیبا را.

۲ - شیوه بالا به صورتی دیگر نیز قابل اجراست: به جای قطعه منثور، قطعه منظومی برگزیده می شود تا به صورت نثر باز نویسی شود. این بار از جهت آموزش انشای یک گام فراتر نهاده ایم چرا که عموماً ترکیبات شعر لطیف تر و بکر تر و تازه تر است. بنابراین دانش آموز با این ترکیبات آشنا خواهد شد و از آنها مایه خواهد گرفت و آنها را در نوشته های خود به کار خواهد برد. این دو شیوه برای کلاسهای راهنمایی و دوره اول دبیرستان و به مدت چهار تا پنج جلسه مناسب است.

۳ - به تدریج که دانش آموزان قطعات منظوم یا مستنور را باز نویسی می کنند، می خواهیم تا در مورد قطعه داده شده اظهار

نظر بکنند و استنباط خود را بنویسند. این کار سرآغاز فعالیت ذهنی دانش آموز برای نوشتن انشا و آفرینش مطلب است.

۴ - از این پس، می توان قطعاتی از متون کلاسیک، مانند تاریخ بیهقی، کلیله، چهار مقاله، تفسیر ابوالفتح، گلستان، انتخاب کرد تا دانش آموزان به شیوه امروزی باز نویسی کنند. بدین سان دانش آموز به اختلاف شیوه بیان و نگارش گذشتگان و معاصر پی می برد. بجاست که، ضمن برانگیختن حس احترام و تعظیم دانش آموز به آثار ادبی و میراثهای گرامی، ذهن او را به این نکته روشن کرد که غالباً شیوه های نویسندگان کهن را امروزه نمی توان به کار برد و البته این امر با تعظیم و بزرگداشتی که گفتیم منافاتی ندارد و درست بدان می ماند که ما، از روی احترام نسبت به گذشتگان افتخار آفرینمان، پولی خرج و وقتی صرف می کنیم و به دیدن عینک و قلمدان امیر کبیر و اسلحه کمری ستارخان و کاسه سفالی که از حفاریهای نیشابور به دست آمده، می رویم، و لیکن گفتن ندارد که نه زیننده است که در این کاسه آب بخوریم و نه سودمند و برآزنده است که آن اسلحه را به کار ببریم، که زمان طرف بلور و لیوان کریستال است و هنگامه مسلسل و خمپاره انداز. همه جای دنیا هم چنین است: احترام به گذشتگان و هماهنگی با زمان.

۵ - طرح نامه های دوستانه و خانوادگی و نامه های رسمی و اداری - کمترین انتظاری که از درس انشا می رود این است که دانش آموزان نوشتن نامه را، خواه خصوصی و خواه رسمی، یاد گرفته باشند. بنابراین لازم است که در جنب کارهایی که گفته شد، هر جلسه یک نامه خانوادگی و بعدها یک نامه رسمی و درخواست اداری مطرح شود. اگر در بین نوشته های دانش آموزان نمونه خوبی نباشد، بهتر است که خود معلم نمونه ای بنویسد، تا اختلاف و دوگانگی نامه های خصوصی و رسمی و ویژگی هر نوع برای دانش آموزان روشن شود.

۶ - گفتیم که لازمه درست اندیشیدن و اندیشه را درست و رسا بیان کردن ورزش و تمرین است. پس لازم است که دانش آموز با اندیشه های درست و نوشته های زیبا خو بگیرد. بنابراین مهمترین نقش معلم انشا این است که دانش آموزان را به این راه رهنمون گردد. برای این منظور، دانش آموزان باید در هر جلسه انشا، ضمن اینکه برای انشا تکلیفی انسجام می دهند، نوشته های نیز از کتابی، نشریه ای، مجله ای، با ذکر مأخذ و نام نویسنده، مترجم و دیگر خصوصیات نوشته در دفتر خود عیناً بنویسند. از این رهگذر، دانش آموز به دنیای خواندن و خواندنی راه خواهد یافت و برای اینکه نوشته خوبی تهیه کند تا مورد توجه قرار گیرد، ناگزیر دو سه مقاله خواهد خواند تا یکی را برگزیند.

حاصل این کار چند چیز است: نخست اینکه، بسا دیده شده است که دانش آموزی، به علت اینکه نوشته اش خودش را راضی و خرسند نکرده است، از بیم دانش آموزان و احیاناً تمسخر آنها، سرزنش معلم و حتی نمره بدر را به جان می خورد و به بهانه اینکه نوشته یا نیاورده، از خواندن انشا سرباز می زند و کم کم این عقده در او ریشه می گیرد که نمی تواند چیز خوبی بنویسد و نمی تواند برای دیگران چیزی بخواند، و حال آنکه، وقتی که دانش آموز، مقاله خوبی را از جایی انتخاب کرده باشد، با اعتماد و اطمینان از مقبولیت نوشته، آن را می خواند و این غرور و شخصیت در او پامی گیرد که می تواند برای دیگران آموزشگر باشد.

از این جنبه پرورشی که بگذریم، خواندن مقالاتی از این دست، به سبب آنکه لطیف و در سطحی بالاتر از نوشته های خود دانش آموزان است، از طرفی به ساعت انشا لطف و تنوع می بخشد، و از طرفی دیگر دانش آموز را به گشتن و جستن و برگزیدن، و به دیگر سخن، به تحقیق و یادداشت کردن و سند دادن عادت می دهد.

۷ - از این به بعد، می‌توان موضوعهای عمومی و وصفی، اجتماعی و تحقیقی عنوان کرد. در این باره عقیده داریم که موضوع انشا تا حد ممکن باید در خور اندیشه و دریافت دانش‌آموزان باشد. معتقد نیستم که موضوع انشا همیشه یک بیت شعر از نوع: «گندم از گندم بروید جو ز جو» و «تربیت نااهل را چون گردگان برگنید است» باشد. مخصوصاً تا کلاسهای سوم و چهارم دبیرستان، بهتر است که موضوع انشا مربوط به امور عینی و ملموس باشد. وقتی که می‌گوییم: «اگر در یک مؤسسه گاو‌داری و یک کسنافروشی و یک مؤسسه پرورش گل به وجود شما نیاز باشد، کدام را انتخاب خواهید کرد؟» به گمانم چیزی دور از حد درک دانش‌آموز نخواسته‌ایم، چرا که او می‌تواند این هر سه را در ترازوی فهم و پسند خود بریزد، برآیندهای اجتماعی و انسانی آنها را بسنجد و، ضمن بحث کوتاهی در مورد دوشاخهٔ دیگر، به بیان مزیت شاخهٔ برگزیدهٔ خود بپردازد. من تردید داریم که دانش‌آموز سال پنجم دبستان و حتی دانش‌آموز سال دوم و سوم دبیرستان بتواند در مورد «علم بهتر است یا مال؟» به درک خود چیزی بنویسد. دلیل این است که از چیزی ذهنی و مجرد چون «علم» دانش‌آموز چیزی درک نمی‌کند تا آن را با «مال» مقایسه کند، و اصلاً «مال» در نظر او چیست؟ ناگزیر یک بیست ریالی است که هر روز از پدر می‌گیرد و در تابستان بستنی و در زمستان لیو می‌خورد. روشن است که مقایسهٔ «علم مجرد و ذهنی» که شاگرد برای آن نمونهٔ عینی نیافته - با لیو و بستنی کار آسانی نیست. این نیز گفتنی است که ضمن این‌که در تعیین موضوعهای انشا باید دقتی درخور به کار رود، من شخصاً با موضوعهای ثابت، برای هر کلاس، موافق نیستم. حجت این است که اگر هر درسی ابعادی دارد و از جهت برنامه طول و عرض و آغاز و انجامی، چون انشا درسی است ذوقی، با پیش‌بینی موضوعهای محدود و معین، یقیناً ذوق و اندیشهٔ نامحدود و

گسترده را محدود و در بسته داشته‌ایم.

۸ - یکی از کمبودهای دردآور و حسرت‌بار در بسیاری از دانش‌آموزان و در مراحل بعد، در بزرگسالان، ناتوانی آنها در بیان اندیشه است، و اگر سخن گفتن را صورت شفاهی انشا بدانیم، بنابراین، در درس انشا، این نیز باید مورد توجه قرار گیرد که تا حد امکان دانش‌آموزان برای گفتار حضوری و سخنرانی برای جمع ورزش بکنند. پس این نیاز هست که در هر جلسه، دانش‌آموزی، با مطالعهٔ قبلی و استفاده از کتابها و نوشته‌ها، در موردی - هر چند، چهار یا پنج دقیقه سخنرانی کند. این برنامه اگر در نخستین جلسه‌ها با گرمی استقبال شود، بی‌شک پس از سه چهار جلسه، بسیاری از دانش‌آموزان علاقه‌مند خواهند بود که «سخنران» جلسهٔ آینده باشند، به خصوص که معلم برای این کار ارزش نمره‌ای منظور بدارد.

۹ - مانند ترجیح بند، تکیهٔ من در این مقال بر این است که برای خوب نوشتن خوب خواندن و زیاد خواندن لازم است. برای رسیدن به این مطلوب در دل دانش‌آموز به هر حيله رهی باید جست. بجاست که هر سال، هر دانش‌آموز یک کتاب - که بهتر است با اشارت خود معلم باشد بخواند و ضمن معرفی کتاب و مؤلف و مترجم، آن را خلاصه‌نویسی کند. این کار برای دورهٔ دوم دبیرستان مناسب است. ارزشیابی خلاصه‌ها پس از شش ماه بی‌هنگام نیست و لازم است که نمرهٔ مشخصی برای این کار منظور شود. البته ممکن است این خلاصه‌ها چیزهای جالبی نباشد ولی خود نوعی تجربه است بر اینکه دانش‌آموز - هر چند نارسا - با کار نقد و تلخیص و معرفی کتاب و نویسنده آشنا شود.

\*\*\*

در اینجا لازم است یادآور شویم که این شیوه‌ها هر کدام از صافی تجربه گذشته و بهره‌هایی در خور اعتنا نیز داشته، البته، تجربه و ذوق معلمان ادبیات و انشا با ارزش و حرمت

است و هر معلمی با سلیقهٔ خود در ساعات انشا شیوه‌های پرکاری به کار می‌بندد.

واپسین سخن اینکه، ممکن است گفته شود که، در یک ساعت پنجاه دقیقه‌ای در هفته، مگر ممکن است که سه چهار نفر انشا بخوانند، دو سه نفر نامهٔ دوستانه یا رسمی بخوانند، یکی دو نفر مقاله‌ای را که از جایی انتخاب کرده‌اند بخوانند و یک نفر هم سخنرانی کند؟

می‌گویم: در ساعت انشا - اگر کار شود همیشه با تنگی وقت و کمبود فرصت رو به‌رو هستیم. پس اگر با این برنامه‌ها و با دست پر به کلاس برویم، دشواری کارمان این خواهد بود که به کدام یک از این همه کار بپردازیم، و البته این مطلوبتر از آن است که ندانیم ساعت انشا - ساعت خمیازه، ساعت حل جدول روزنامه - چه وقت و چگونه تمام خواهد شد. در آن صورت درس انشا از صورت خسته‌کننده‌ترین و بی‌ثمرترین دروس خواهد آمد و در خانهٔ «درس دلپذیر و پر بار» برنامه خواهد نشست. چنین باد!

